

قلعه اخضر

در پنجاه و پنج کیلومتری شهر کربلای معلی ، قلعه‌ای است بسیار با شکوه که با وجود گذشت زمان همچنان مانند سدی استوار بر جای ایستاده و باران بر آن گزندی وارد نساخته است. در اوایل عهد ساسانی که حدود متصرفات آن امپراتوری عظیم تا نزدیکی‌های مدیترانه رسیده بود ، در هر گوشه و کنار برای جلوگیری از حملات عربهای بادیه نشین و حفظ امن و سلامت کشور : قلاع مستحکمی بنا میشد که کاخ « اخضر » در وسط صحرای عراق یکی از آنهاست .

در اینکه این کاخ را چه کسی ساخته است ، بین مورخان کشمکش‌های فراوانی در گرفته ولی علامه دانشمند و محقق ارجمند « دکتر مصطفی جواد » که از نظر تاریخ شناسی ، اقوالش حجت است و کمتر دانشمندی نظیر او در خاور میانه از نظر تتبع و همچنین بیغرضی و دوری از تعصب وجود دارد ، بر آنست که این کاخ را شاپور ذوالاکتاف شهریار عالیجاه ساسانی بنا نهاده و دلایل بسیاری نیز بر این قول خود اقامه کرده است . مقاله زیر که چندی پیش بقلم این استاد گرانمایه نوشته شده برای آگاهی هموطنان خود درج میکنیم :

اخضر قلعه‌ای است با عظمت . آثار آن دارای جلال و شکوه عظیمی است که جلب نظر باستان شناسان و مورخان کشورهای شرق و غرب کرده است . عده کثیری از آنان و معدودی از جهانگردان در وصف آن قلعه مقاله‌ها نوشته و کتابهایی بزبانهای مختلف پرداخته‌اند . ولی کسی غیر از ما بحتایق تاریخی آن پی نبرده است . اخضر از عمارت‌هایی است که بدو منظور بنا شده است : برای سکونت و برای دفاع . این قلعه در زمین مرتعی از صحرای غربی عراق که در غرب نهر فرات واقع است با فاصله ۵۵ کیلومتری غرب جنوب کربلا واقع شده است .

در کربلا - قتلگاه امام حسین (ع) - در نزدیکی قلعه اخضر جلگه‌ای وجود دارد که آب باران در آن جمع میگردد . این جلگه را گاهی بنام (شعیب) و گاهی بنام (ایض) مینامیدند . سطح این زمین شن است و زیر آن زمین محکمی است که مانع فرو رفتن آب باران میگردد و شن های اطراف آن نیز مانع بخار شدن آب میشود . جلگه ایض بجلگه حوران متصل است . در اطراف این جلگه دشتهای سرسبز و چراگاهها پدید آمده است که قبایل مختلف به آن نقطه میروند . نام اخضر از (خضرة) یعنی دشتهای سرسبز و خرم گرفته شده است ، چون غالب آن دشتهای سبز و خرمند .

اخضر موقعیت مهمی را در زمان قدیم دارا بوده است و مرکز راهها و قافله‌ها و جاده های جنگی بشمار میرفته و تا کنون آثار آن نسبتاً سالم باقی مانده است . خود قلعه در صحرائی دور از فرات واقع گشته و مسافت آن از فرات بر اثر تغییر مسیر این رود بسمت شرق ، زیادتر شده است . بر همه معلوم است که حسین بن علی (ع) در کنار رود فرات شهادت رسید .

میرزا زمان خان
 میرزا زکی خان
 حاج محسن خان نظر آقا
 میرزا صادق خان

عموی فرخ خان و عضو هیأت سفارت او .
 ظاهراً همان معلم و مترجم دارالفنون .
 مشیرالدوله بعدها سفیر ایران در استانبول .
 یمن السلطنه و بعدها سفیر ایران در پاریس .
 که یا میرزا صادق طبیب ، محصل سابق ایران در
 لندن - راد است یا میرزا صادق نوری قائم مقام و
 باغلب احتمال همان شخص اول .
 هم سفر هم درش حکیم الممالک و والی بعد (۱)
 یا میرزا رضای دکتر و باغلب احتمال همان میرزا
 رضا دومی عموی فرخ خان ، مترجم دارالفنون
 و عضو هیأت سفارت ،

میرزا علی نقی

آنگاه مقدمه ایست مشتمل بر ادای احترام نسبت بشاه و شرح مختصری درباره روابط ایران و فرانسه و پس از آن سه صفحه شامل ادای احترام نسبت بمعلمین و اطباءئی که در دانشکده پزشکی پاریس مشغول بوده اند و در آخر هم تعارفی بدوست واقعی فرانسویش :

M. E. Delaunay

صفحات ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ مشتمل بر مقدمه ایست در باب نحوه معالجه اطباء ایرانی در باره بیماری موضوع رساله و روش جدید معالجه دکتر پلاک و یادی از Ernest Cloquet طبیب فرانسوی شاه که باشتباه مسموم شده و در تهران در گذشته است ، و ورود مؤلف به معالجه بیماران بکمک دکتر پلاک .

موضوع اصلی رساله از صفحه ۱۸ آغاز میشود و در صفحه ۴۹ پایان میرسد و در آخر آن شرح حال هفت بیمار ایرانی ذکر شده است یعنی *observotio* باصطلاح طبی .
 صفحات ۴۳ و ۴۴ مشتمل بر سؤالاتی است که ظاهراً در جلسه امتحان از مؤلف شده است .

در ذیل صفحه ۴۴ تروسو Trousseau رئیس درمانگاه دانشکده نوشته است :
 «ملاحظه شد ، برای چاپ مناسب است ، و معاون آکادمی پاریس (۲) Artaud اجازه چاپ آن را داده است .

۱ - نام جد میرزا علینقی ملاآقا بابا بوده است که گویا به اشتباه بنده ملاآقا ذکر شده است .

در ایام حصار در خود جای میدهد، بوسیله دولتی با عظمت و با مخارج بسیار زیادی ناشده باشد، چیز دیگری میتوان تصور کرد؟

این امر بهترین دلیلی است که این قلعه را يك دولت نیرومند ساخته است. زیرا امکان بنای آن از قدرت مردم واغنيا خارج بوده است، مخصوصا در چنان صحرائی که هیچگونه تضمینی جهت ارتباط با شهرها و مرزها وجود نداشته است.

تاریخ بنای اخيضر

تعیین تاریخ بنای اخيضر برای مؤرخان و باستانشناسان بعثت بجای نماندن و نبودن کتیبه و نوشته هائی که تاریخ بنای آنرا آسان سازد، امری بسیار مشکل است. اضافه بر آن چون این بنا دوراز راه عبور و مرور مردم و در صحرائی مهجوری واقع گشته است بر این مشکل میافزاید و تاریخ بنای آنرا مبهمتر میسازد. ولی عظمت و بزرگی و شکوه این آثار، باستانشناسانرا بسوی آن صحرا جلب کرده است.

باستانشناسان در تاریخ بنای این آثار که از عجایب آثار باستانی است همانطور که در باره بنای کاخها و عمارتهائی که در شام قدیم اختلاف نظر دارند، در این مورد نیز همان اختلاف را پیدا کرده اند. این اختلاف تنها منحصر بطبقه مؤرخین نیست، بلکه باستانشناسان که برای شناختن آثار تاریخی از طرز نقاشیهای بر روی دیوار و طرز بنا و فنی که در آن بکار برده میشود، استفاده میکنند - در آن سهیم هستند.

آخرین کتابی که در باره تاریخ اخيضر بحث کرده کتابی است که «ساطع الحصری»، دانشمند معروف آنرا تألیف کرده است. در صفحه ۳۳ این کتاب چنین نوشته است: بسیار جای تعجب است که تاریخ بنای قصر و قلعه اخيضر علیرغم عظمت و اهمیت و موقعیت و بزرگی و شکوهی که دارد، درست روشن نیست. چون هیچگونه آثار نوشتنی یا مدون که دلالت بر تاریخ آن قصر داشته باشد، در دست نیست، در کتابهای تاریخ و جغرافیای قدیم نیز اشاره صریح و روشنی در آن مورد نشده است. تنها اشاره ای که صریحا در مورد اخيضر شده، مربوط بقرن هفدهم است که بعضی از اروپائیان که آنرا مشاهده کرده اند و بذکر آن پرداخته اند بنا بر این هر چه در باره اخيضر معروف است یا شنیده شده است، از روی فرض و تصور تخمین بوده است.

سیاحانی که از اخيضر بازدید کرده اند این اشخاص هستند:

لوی ماسنیون در سال ۱۹۰۸ - پترودولوا (در اوایل قرن هفدهم) - خانم بل در سال ۱۹۰۹ - ویوله و دیولافارموزیل و اسکارو و پترین سالهای ۱۹۱۰ و ۱۹۱۲. در مقاله ای که در یکی از مجله های معروف عراق تحت عنوان «قصر اخيضر» از نظر دانشمند بزرگ - آلوسی، درج شده است ذکر گشته که «دیولافوا» مهندس باستانشناس بر این عقیده است که تاریخ قصر اخيضر به ۲۵ سال آخر قرن ششم میلادی یعنی بدوران قبل از اسلام مربوط است. و دلیل او اینست که فن تزئین ساختمانها، در عهد سومریها باوج کمال رسیده بود. بنا برای هر بنائی که فن مذکور در آن بکار برده نشده (مانند قصر اخيضر) ترجیح داده میشود که بدوران قبل از اسلام مربوط باشد. نویسنده مقاله مذکور اضافه میکند: عقیده مهندس ویوله بر این است که قصر و قلعه اخيضر در دوران اسلام ساخته شده است. خانم (بل) نیز همین بوده است.

استاد معروف «ماسنیون» نیز عقیده مند است که اخبیز اگر قصر خورنق یا سدیر نباشد، احتمال دارد که قصر (سندان) باشد. نویسنده مقاله عقیده محمود شکری الالوسی را در مورد اخبیز پسندیده است. آلوسی میگوید اخبیز در اصل (اکیدر) از نام اکیدر پادشاه اشکوتی الکندی گرفته شده است که بعداً بکلمه اخبیز تحویل گشته است.

در مجله مذکور هنگام بحث در باره قصر (بلکوارا) که در سامرا واقع شده و دکتر هر تسفلد در سال ۱۹۱۳ آنرا کشف کرده است ذکر گشته :

«این قصر، (مقصود قصر بلکوارا است) مانند دو قصر معروف: (مشتی) که یزید دوم از خلفای بنی امیه و قصر اخبیز که متعلق به اکیدر است ساخته شده ولی از آن دو بزرگتر است.»

برای ما ثابت شده است که دکتر هر تسفلد موقعیت و مکان قصر بلکوارا را نمی شناسد. پس چگونه قصر اخبیز را با آن قصر مقایسه میکند؟ قصر بلکوارا در قادیسیه یعنی بین سامره و بغداد واقع شده است. جهشیاری مینویسد: «متوکل قصر معروف خود بلکوارا را در قادیسیه بنا کرد و پس از پایان ساختمان، آنرا پسرش الممتر بخشید. این قصر از بهترین قصور متوکل بوده است. وی قبل از این متذکر شده بوده: «فاصله بین سامراء و قادیسیه چهار فرسخ است.» پس درین صورت بین سامراء و قادیسیه در حدود ۲۴ کیلومتر راه است. امری که بر تعجب ما افزوده اینست که یکی از مورخان اروپائی اسلوب معماری قصر اخبیز را از بناهای اسلامی دانسته و آنرا با قصر های دیگر برای ثابت کردن اسلامیت و عربیت آن از نظر فنی و تاریخی مقایسه کرده است. در حالیکه بین (طاق ایوان) و دیوارهای اخبیز شباهت زیادی وجود دارد و طاق ایوان (مقصود طاق کسری است) از بناهای ساسانیان است و این حقیقت را نیز همه میدانند.

قلعه اخبیز شامل دو دوره از ادوار معماری است. یکی از مورخان در ماه مه سال ۱۹۱۳ آنرا چنین وصف کرده است که در آن ایوانی وجود دارد که از گل ساخته شده، بنای آن شبیه ایوانی است که در قصر خلیفه در سامرا بنا شده است. گمان کنیم که این ایوان پس از ساختن قصر بیک یا دو قرن یا بیشتر ساخته شده چون هیچگونه شباهتی بآن ندارد و ایوان آن از آجر ساخته شده است.

در مقاله اخبیز نویسنده آن اضافه میکند: «بطور یقین میتوانیم بگوئیم که ساختمان قصر اخبیز، در یک زمان و در یک وقت ساخته نشده است. بلکه بنای داخلی آن مسانند بنای خارجی که بعداً بدان اضافه شده، پس از پایان بنای قلعه است و قصر، چندی بعد ساخته شده است چون وضعیت این دو بنا متناسب با تنظیمات داخلی بنا که بطور دقیق ساخته شده است نیست، تمام بناهای قصر و قلعه بطور دقیق و متناسب ساخته شده مگر این دو قسمت. بنابراین میتوانیم بگوئیم که این دو، در نقشه اصلی قصر داخل نبوده و بعداً پس از اتمام بنای آن بر حسب ضرورت و احتیاج ساخته شده است.

در این گفته اشاره بدو دوره معماری که بدان اشاره کردیم شده است، ولی در تمام گفته های محققان، اختلاف و عدم اتفاق قول هویدا است.

بعضی از آنان عقیده دارند که اخبیز (قصر مقاتل) یا قصر (بنی مقاتل) که یا قوت آنرا بین (عین التمر) و «شام» تشخیص داده و منتسب به مقاتل بن حیان دانسته است و نزدیک (قطقطانه) که قصری است معروف در راه شام و نزدیکی کوفه واقع شده است.

قطقطانه امروز به (قطقطانه) معروف شده و بکوفه نزدیک تر است تا قصر اخيضر . جای هیچگونه مجادله و مباحثه برعدم صحت این قول نیست چون اخيضر قصری است که برای دفاع ساخته شده و آثار آن دلالت دارد که قصر امپراتوری است .

در حقیقت قلعه اخيضر از ناحیه شکل و عظمت و طرز بنا در عراق بسی نظیر است . این قلعه برای دفاع از شهر بزرگی ساخته شده و در دورهای مختلف اسلامی چنین بنائی سابقه ندارد ، زیرا احتیاجی بدان نبوده است . پس این قلعه قبل از فتوحات اسلام برحسب عادات و رسوم آن دوره برای دفاع از امپراتوری ساسانی بنا شده است .

این قلعه مستحکم و با عظمت بنام قلعه (عين التمر) نیز معروف است . خالد بن الوليد سردار بزرگ عرب در سال ۱۲ هجری پس از پایان یافتن جنگ «يمامة» و توجه بطرف طفوف در غرب عراق و صحرای «سماوه» این قلعه را فتح کرد .

اضافه شدن نام عين التمر با این قلعه بعلمت نزدیک بودن با عين التمر بوده است . گاهی اوقات این قلعه نیز بنام شفايه نامیده میشود ، چون شفايه یکی از دهات تابع عين التمر است . این امر ثابت میکند که عين التمر در فاصله معینی از این قلعه بوده و قلعه مذکور از آن جدا بوده و برای دفاع از حدود امپراتوری ساسانیان احداث شده است .

اخباری که در باره قلعه اخيضر

روایت شده

خواننده از آنچه که گذشت درک خواهد کرد که قلعه اخيضر از بناهای ایرانی «کسروی» است . عظمت و شکوه این بنا ، در اقوال و نوشته های عرب و ایرانیان و در اخبار فتوحات اسلامی ذکر شده است . بلاذری میگوید : چشمه «طف» مانند چشمه صید و قطقطانه ورهیمه و جمل است و آب این چشمه ها بخندق شاپور میریزد . در معجم البلدان یا قوت ذکر شده است که : «خندق شاپور در صحرای کوفه واقع است و آنرا شاپور ، پادشاه ایرانیان حفر کرد تا فاصله ای بین او و بین عربها از طرف هیت و طف البادية و کاظمه (کاظمه اینک در کویت واقع است) نزدیکهای بصره باشد .»

پس درین صورت واضح است که قلعه اخيضر از جمله بناها و استحکاماتی بوده است که شاپور ذوالاکتاف آنرا برای حمایت و دفاع از جهت غرب کشور خود ساخته است . شاپور که حکومت پراقتدار او از سال ۳۱۰ میلادی تا ۳۸۱ میلادی ادامه داشت ، د عهد با شکوه او مانند این قلعه با عظمت ساخته شده است .

در اخبار ذکر شده است که پس از آنکه شاپور قلعه اخيضر و شهر «حضر» را که مقابل شهر تکريت و بین دجله و فرات بررود نرثار واقع است ، افتتاح کرد ، فرزندش را در آن شهر و در عين التمر و ادار بازدواج کرد و این خبر میرساند که مخصوصاً در عين التمر مسکن و بنای با شکوه و با عظمتی وجود داشته که باب طبع امپراتور ایران بوده است و چه بسا که اخيضر در محل عين التمر فعلی بوده است .

گفته دیگری که ثابت میکند عين التمر دارای قلعه با عظمتی بوده است ، گفته بلاذری در باره پیروزی خالد بن الوليد بر قسمت غربی عراق است که در سال ۱۲ هجری بوده است : و خالد بن الوليد نزدیک عين التمر رسید و در مقابل قلعه آن متمرکز شد . درین قلعه قوای

مسلحی از اعاجم (مقصود غیر از عراب است) وجود داشتند که از قلعه خارج شدند و باقوای خالد بن ولید بمبارزه پرداختند و چون تاب مقاومت نیاوردند ، بداخل قلعه رفته متحصن شدند و از سردار عرب امان خواستند ولی خالد با زور قلعه را فتح کرد و عده کثیری را کشت . ابو جعفر طبری خبر فتح قلعه مذکور را بالتفصیل ذکر کرده است و مینویسد : «در عین التمر در آن ایام «مهران پسر بهرام گور» از سرداران ایرانی اقامت داشت . همچنین عده کثیری از عربها و ایرانیان مانند «عنه بن ابی عنقه متین» و ایاد و غیره در آنجا بودند . مهران در قلعه عین التمر - یعنی همانطور که گفتیم اخیضر بوده است - با عده ای از ایرانیان متحصن شده بود . خالد بن ولید با آنها حمله کرد و پس از زد و خوردی که بین آنها روی داد ، بداخل قلعه عقب نشینی کردند . خالد عده کثیری را اسیر کرد و عده زیادی را بقتل رسانید . طبری مینویسد : «خالد بن ولید هر چه در قصر وجود داشت ، بقتیمت برد . در یکی از قسمتهای قصر در بسته ای را دید که در پشت آن چهل نفر از غلامان مشغول فرا گرفتن و خواندن انجیل بودند و آنها را آزاد کرد . از آن جمله ابو زیاد مولی ثقیف و حریت و علائه و عمر و ابوقیس بودند .»

پس گفته بلاذری در اینکه در قلعه عین التمر افراد مسلح ایرانی بوده ، و همچنین گفته طبری و بلاذری در اینکه در قلعه عین التمر کلیسائی وجود داشته که چهل غلام در آن انجیل فرا میگرفته اند ، و گفته طبری در اینکه کسری سر بازان ایرانی را در قلعه عین التمر گذاشته بود ، مشخصات قلعه اخیضر را بر امان بیان میکند و این اندیشه را که اخیضر فعلی همان قلعه اخیضر است بحقیقت مبدل میسازد . چون هنوز آثار کلیسا بطور وضوح پابرجاست . و همین کلیسا بوده است که پس از فتح قلعه بدست مسلمانان به مسجد تبدیل یافته است . بسیار جای تعجب است آنهایی که مسجد را ذکر کرده اند این زحمت را بخود نداده اند تا درباره آن تحقیق کنند . ولی نقطه ای که قابل انکار نیست ، اینست که در مسجد موادی از آجر پاره است ، اختلاف دارد . پس از فتوحات اسلام ، عربهای بادیه نشین بخصوص «بنی اسد» در قلعه «عین التمر» یا قلعه «اخیضر» سکونت اختیار کردند . ضبه پسر محمد یزید المبنی در این قلعه ساکن شد و این قلعه را وسیله و پناهگاه خود قرار داد . این شخص بر اهزنی و غارت ثروت مردم پرداخته و رعب وهراسی فراوان در دلها افکنده بود . متنبی و مسکویه و ابن الجوزی و ابن اثیر و عده ای دیگر از قساوت و فجایع «ضبه» سخن رانده و همگی گفته اند که بر اهزنی و غارت مردم دست میزد ، سپس به قلعه پناهنده میشده و در پناه حصار مستحکم آن مخفی میشده است . عضدالدوله دیلمی قوایی بان قلعه فرستاد و «ضبه» فرار برقرار ترجیح داد .

در اواخر قرن پنجم هجری ایل خفاجه بر قلعه عین التمر (قلعه اخیضر) دست یافتند و در ایام حکومت خود در آن منطقه و بر آن قلعه بناهایی افزودند و تعمیرات و استحکاماتی در آنجا انجام دادند تا آنکه آنجا به (قلعه عین التمر) معروف شد . محمود ابن احزم رئیس ایل خفاجه که برای ملاقات خلیفه المستنصر علوی بمصر رفته بود ، در سال ۴۴۸ هجری پس از دریافت اموال زیادی بشفائه و عین التمر و گوفه بازگشت و خطابه ای در مدح مستنصر ایراد کرد . یعنی در قلعه اخیضر نیز مانند سایر اماکن آن ، خطابه را نیز ایراد کرد . محمود پس از آن از اطاعت مستنصر سر باز زد و بطوریکه ابن اثیر ذکر میکند با خلیفه القائم بامر الله عباسی و سلطان طغرل یک سلجوقی بهم ریخت سپس ارسلان ، بساسیری معروف با بوالحارث

را مأمور تصرف عراق کرد و محمود بن احزم را امیر کوفه ساخت .

سبط جوزی نیز دربارهٔ حوادث سال مذکور مطالب مفصلی مینویسد و از گفتهٔ مورخ مذکور در بارهٔ (قلعه عین التمر) و (معقل الخفاجین) استحکام و وسعت و ممانت این قلعه استنباط میشود . در سال ۴۵۵ محمود خفاجی بدست رجب بن منیع و شخص دیگری بقتل رسید . وسبط جوزی مینویسد رجب سوگلی او را با خود بقلعه شفاثا برد و چون این زن محمود را دوست میداشت خود را از بالای قلعه پیاپی انداخت و خود کشی کرد . آنچه که مورد بحث ما است اینست که مورخ مذکور که از قلعه شفاثا نام برده است . مقصودش قلعه عین التمر بوده است . ما در تاریخ قلعه‌ای بدین نام ندیده‌ایم و علت این امر همان نزدیکی این دو شهر بوده است . و سوگلی مزبور خودش را از دیوار قلعه عین التمر که از ارتفاعش ۲۱ متر بوده پرتاب کرده و خود کشی کرده و بطور یقین کسی پس از افتادن از این ارتفاع نجات نخواهد یافت .

و اما اینکه اخیزر زندان خفاجیها بوده است ، این قول را که در ریل (رولت) در شام شایع است که اخیزر همان قصر خفاجی است این امر را ثابت میکند . تمام دلایل و ظواهر امر نشان میدهد که قلعهٔ با شکوه اخیزر همان قلعه قدیم عین التمر است و این امر از روی شك و تردید و شبهه بیان نشده است .

حوادث تاریخ دلالت دارد بر اینکه قلعهٔ عین التمر قسمتی از استحکام و مناعت خود را از دست داد و در سال ۶۹۳ بفرمان سلطان کیخنو ایلخانی جماعتی از سربازان او بدانجا رفتند و مردم را غارت کردند و باعمال زشت و ننگین دست زدند و این واقعه را شامارصافی الدین حلی از شعرای عرب ذکر کرده است .

پایان

در پایان این بحث متذکر میشود که قلعهٔ اخیزر در ۵۵ کیلومتری کربلا و در غرب فرات واقع شده است از قلاع بزرگ و مستحکم و با شکوهی است که مانند آن در این سامان و بخصوص در عراق وجود ندارد . چیزی که این قلعه را از قلعه‌های دیگر مشخص کرده است اینست که با پاره سنگهای محکم که در آن مناطق بندرت یافت میشود ، بنا گشته است . اخیزر يك قلعه قدیمی است از ناحیه عظمت و استحکام و طرز بنا و موادی که در بنائی آن بکار برده شده است ، نظیر ندارد . و هیچگاه امکان نداشته است که جز يك دولت نیرومند و بزرگ آنرا ساخته باشد . موقعیت آن در مرکز راههای تجاری و سوق الجیش بین شام و عربستان و عراق بوده است و بخاطر دفاع از امپراطوری ساسانیان احداث گشته و با این نظر ترجیح میدهم که در عهد شاپور ذوالاکتاف (۳۱۰-۳۸۴) ساخته شده باشد و بعضی چیزها در آن وجود دارد که شباهت زیادی با یوان کسری دارد و در ساختمان قلعه بعدا آجر استعمال شده است . اخیزر نزد عربها بقلعهٔ عین التمر معروف گشته است : خالد بن الولید آنرا فتح کرد و مدتی در تصرف عربهای عراق بوده و چندین بار مرمت گشته و ساختمانهای بآن اضافه شده است .